هفت‌پیکر نظامی و نظیره‌های آن

حسن ذوالفقاری
استادیار دانشگاه تربیت مدرس

چکیده

در این مقاله ابتدا با اشاره به نظیره‌گویی و تفاوت آن با تقلید و تتبع و اقتباس و سرقت ادبی به اجمال نظیره‌سازان ادب فارسی معرفی می‌شوند. سپس به هفت‌پیکر نظامی و ارزش‌های داستانی آن اشاره‌ای می‌شود و پس از معرفی نظیره‌ها و ترجمه‌های هفت‌پیکر و معرفی داستان‌های آن، ۲۱ اثر معرفی می‌شود که مستقیم یا غیرمستقیم از شیوهٔ داستان‌پردازی نظامی تقلید کرده‌اند. در این بررسی درمی‌یابیم که نظامی علاوه بر افسانه‌ای کردن شخصیت تاریخی بهرام‌گور، با پرورش هفت داستان در قالب داستان اصلی بهرام گور، سنت داستانی خاصی را در ادبیات ایران بنا نهاد که از طریق امیر خسرو دهلوی به هند منتقل شد. این سنت داستانی، در هند نشو و نما یافت و با عناصر و بن‌مایه‌های داستان‌های هندی درآمیخت و در شیوه‌های داستانی آن دیار اثرات ژرفی نهاد.

کلید واژه‌ها: هفت‌پیکر، نظامی، نظیره‌گویی، تقلید، اقتباس.

تاریخ دریافت: ۸۵/۳/۲۳ **تاریخ پذیرش:** ۸۵/۶/۲۸

مجلهٔ دانشکده ادبیات و علوم انسانی، س ۱۴، شماره ۵۲ و ۵۳، بهار و تابستان ۱۳۸۵

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1385.14.53.13.9]

مقدمه

هدف این مقاله به‌طور خاص معرفی و بررسی نظیره‌های *هفت‌پیکر* نظامی و تأثیرپذیری آن‌ها از نظامی و آثار پس از وی است. در مورد نظامی و آثار او اعمّ از چاپی و خطی و مقالات و آثار مستقل، *کتاب‌شناسی نظامی* (رادفر، ۱۳۷۱) تألیف شده است.

در مورد *هفت‌پیکر* چند تألیف مستقل و چندین مقاله نگاشته شده که برخی از آن‌ها در منابع همین مقاله معرفی شده‌اند، اما هیچ مقالهٔ مستقلی دربارهٔ نظایر و نظیره‌های *هفت‌پیکر* در *فهرست مقالات فارسی* (افشار، ۱۳۴۸ـ ۱۳۸۵) دیده نشد. تنها دو کتاب مستقل دربارهٔ مقایسه *هشت‌بهشت* و *هفت‌پیکر* نگاشته شده است؛ یکی نوشته مهدی کاظموف (باکو: ۱۹۸۱) و دیگری جزوهٔ دکتر محجوب با نام «هشت‌بهشت و هفت‌پیکر» (تهران: ۱۳۵۷).

کاظموف دو کتاب دیگر نیز دربارهٔ نظامی نگاشته با عنوان *هفت‌پیکر نظامی و نظیره‌هایی که بر آن در سده‌های چهاردهم تا هجدهم میلادی نوشته شده* (باکو: ۱۹۹۰) و *هفت‌پیکر نظامی و سنن نظیره‌نویسی در سده‌های چهاردهم تا شانزدهم میلادی در ادبیات فارسی* (باکو: ۱۹۸۷)، که به دو کتاب اخیر دست نیافتیم.

نظیره‌گویی

نظیره‌گویی، «تقلید»[1] یا «تتبع» آن است که شاعر یا نویسنده‌ای، به پیروی شاعر یا نویسندهٔ دیگر به خلق و نگارش اثری اقدام کند. نظیره‌گویی در انواع و قالب‌های ادبی رایج است و البتّه حد و مرز آن تاکنون به روشنی تبیین نشده است.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1385.14.53.13.9]

شرط اصلی نظیره‌گویی آن است که به حوزهٔ سرقات ادبی منتهی نشود. آن‌چه در نظیره‌گویی اهمیّت می‌یابد تحقیق دربارهٔ کیفیت و میزان نفوذ و تأثیر آثار ادبی مشهور در معاصران یا گذشتگان است که خود از اهمّ مباحث نقد ادبی و ادبیات تطبیقی به شمار می‌رود. زرّین‌کوب (١٣٧٦: ١٦٦) تقلید را چنین تعریف می‌کند: «نویسنده و گوینده‌ای شیوهٔ گفتار گوینده و نویسندهٔ دیگری را پیش گیرد و بر طریقه و منوال او سخن گوید». وی میان تقلید و اقتباس تفاوت قائل می‌شود؛ اقتباس را گرفتن «معنی و مضمون» می‌داند نه شیوهٔ گفتار. آن‌چه به سرقات شعری می‌انجامد این نوع اخیر است.

باید میان اقتباس ادبی و تقلید و نظیره‌گویی نیز تفاوت قائل شد. اقتباس الهام گرفتن از مضمون و محتوا و اندیشهٔ اثری است که با خلاقیت‌های شاعر توأم است. ای بسا آثار و شاهکارهای ماندگار که مقلدان زیادی یافته‌اند، خود برگرفته و مقتبس از نمونه‌ها و آثار قبلی بوده باشند، چنان که *ویس و رامین* فخرالدین اسعد گرگانی (٤٤٦ق.) اقتباس از داستان پارتی یا اشکانی است؛ یا *«عقاب»* خانلری (فوت ١٣٦٩) که با اقتباس از مضمون رمان *دختر سروان* (١٨٣٦م.) سروده شده است. اقتباس را بر دو نوع آزاد و وفادار دانسته‌اند (انوشه، ١٣٨٠: ١١٥) که در هر دو شکل ضمن تفاوت با نظیره‌گویی، شباهت‌هایی نیز دارد.

دلایلی چون: شهرت و اصالت و گیرایی اثر، حوادث سیاسی، اجتماعی و معنوی، عواطف و احساسات خوانندگان، قبول عام اثر و پیروی از برخی سنت‌های ادبی موجب می‌شود نظیره‌گویی و تقلید رواج یابد. آنچه در تقلید و نظیره‌گویی خواه طبیعی یا مصنوع اهمیّت می‌یابد، تصرّف مقلّد در آثار ادبی است و الاّ ارزش چندانی ندارد. یکی

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1385.14.53.13.9]

از موازین ارزش‌گذاری آثار ادبی نیز همین نکته است. به نظیره‌های طنزآمیز «نقیضه» گفته می‌شود که فن نقیضه و نقیضه‌گویی خود انواع و اقسامی دارد.[۲]

یکی از ابعاد این مبحث یافتن وجوه تشابه و تفاوت آثار ادبی است؛ در سنجش دو نظیره خصوصاً منظومه‌ها و آثار داستانی و اسطوره‌ای گاه تشابه ارادی است و گاه اتّفاقی (اسلامی ندوشن، ۱۳۷٤: ۲٦۸). اگر موضوع، قهرمان، عناصر و بن‌مایه‌ها در دو یا چند اثر چنان باشد که از دیگری تأثیر پذیرفته باشد، وجه مشترک میان آن‌ها ارادی است؛ مثلاً *لیلی و مجنون* مکتبی شیرازی آگاهانه از *لیلی و مجنون* نظامی تأثیر پذیرفته است؛ امّا شباهت‌های میان داستان *سودابه و سیاوش* و *یوسف و زلیخا* و *سلامان و ابسال* در عشق نامادری به نافرزندی تشابهی اتّفاقی است.

در میان منظومه‌های فارسی از نوع حماسی، *شاهنامه* و از نوع غنایی آثار نظامی و از نوع تعلیمی *حدیقهٔ* سنایی بیشترین نظیره‌ها را داشته‌اند. گذشته از آثار عیّوقی و فخرالدین اسعد گرگانی، بلوغ منظومه‌های عاشقانه را باید در خمسهٔ نظامی جُست. موضوع مثنوی‌های پنج‌گانهٔ نظامی را عدّهٔ بسیاری از مقلدان، تکرار کرده‌اند که برخی از آن‌ها چون آثار امیرخسرو دهلوی (۷۲۵ ق.) و جامی (۸۹۵ ق.) و هاتفی (۹۲۷ ق.) از جمله موفق‌ترین‌ها هستند.

در کتاب *منظومه‌های عاشقانهٔ ادب فارسی* (ذوالفقاری، ۱۳۷٤: ۸۵ – ۸٦) ضمن معرفی مقلدان منظومه‌های بزرگ، برای *لیلی و مجنون* نظامی ۵۹ نظیره و برای *خسرو و شیرین* نظامی ۵۱ نظیره معرفی شده است. یگانه مقلد موفّق نظامی، امیرخسرو دهلوی (٦۲۱ــ ۷۲۵ق.) است که سه داستان عاشقانهٔ *شیرین و خسرو*، *مجنون و لیلی* و

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1385.14.53.13.9]

هشت‌بهشت را در برابر سه داستان عاشقانهٔ نظامی سرود. اقدام امیرخسرو در تقلید آثار نظامی یک قرن پس از وی، شاعران دیگر را بر آن داشت تا به خمسه‌گویی و سبعه‌سرایی بپردازند.

جامی از نظیره‌گویان موفق پس از نظامی است که *هفت‌اورنگ* خود را برابر خمسهٔ نظامی سرود. مکتبی شیرازی (۹۱۶ق.) با *لیلی و مجنون* خود، به ساحت‌های زبانی و لطافت‌های بیانی نظامی نزدیک شد. عصر تیموری و صفوی دورهٔ شکوفایی نظیره‌گویی و رونق کمّی منظومه‌سرایی و داستان‌پردازی است. در این دوران شاعران با گفتن منظومه‌ای در برابر مثنوی‌های پیشین رسالت خود را پایان‌یافته می‌دانند. نظیره‌پردازان این دوران عبارتند از: قاسمی گنابادی (۹۸۲ ق.) موجی بدخشی (۹۷۲ ق.) بدری کشمیری (۹۹۱ ق.) رهایی خوافی (۹۸۳ ق.) عبدی بیک نویدی شیرازی (۹۸۸ق.) سالم تبریزی (۹۳۰ـ ۹۴۸ ق.) وحشی بافقی (۹۹۱ ق.) عرفی شیرازی (۹۹۹ ق.) میرمعصوم نامی (۱۰۱۴ ق.) ناظم هروی (۱۰۸۱ق.) حکیم شفایی اصفهانی (۱۰۳۷ق.) روح‌الامین میرجمله (۱۰۴۷ ق.) کوثری (۱۰۱۵ ق.) زلالی خوانساری (۱۰۲۵ ق.) و ده‌ها سرایندهٔ دیگر که آثار آن‌ها در کتاب‌های تاریخ ادبیات معرّفی شده است.

هفت‌پیکر

هفت‌پیکر یا «هفت‌گنبد» یا «بهرام‌نامه»، چهارمین منظومه از خمسهٔ نظامی گنجوی در بحر خفیف است. منظومه ۵۱۳۰ بیت دارد که به نام علاءالدین کرپ ارسلان و در سال ۵۹۳ پایان یافته است. محور این داستان بهرام پنجم، پادشاه ساسانی

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1385.14.53.13.9]

(۴۲۰– ۴۳۸ ق. م) مشهور به بهرام گور و فرزند یزدگرد اوّل است. این پادشاه در تاریخ سیاسی ایران شهرتی ندارد و نظامی با گردآوری داستان‌های وی و انسجام آن در قالب *هفت‌پیکر* به بهرام تاریخی شخصیتی افسانه‌ای داد.

دکتر معین (۱۳۳۸: ۲۵۹) روایت‌های *هفت‌پیکر* را دو قسم می‌داند؛ اوّل داستان‌های بی‌ارتباط با بهرام گور و برساختهٔ نظامی و یا مقتبس از داستان‌های عامیانه مثل افسانه‌سرایی دختران هفت کشور؛ و دوّم داستان‌های مربوط به بهرام گور که بخشی تاریخی و بخشی افسانه‌ای است.

یکی از علل شهرت بهرام و داستان‌های وی نزد ایرانیان و اعراب، پرورش یافتن او نزد پادشاهان حیره است (عبدالسلام کفافی، ۱۳۸۲: ۲۹۱). به گواهی *شاهنامه* پرورش او در حیره از آن رو بود تا خوی ستمگر پدر را نگیرد (فردوسی، ج ۷: ۱۳۷٤: ۲٦۷). عمده‌ترین داستان‌ها و ماجراهای *هفت‌پیکر* عبارتند از:

پرورش بهرام نزد نعمان بن منذر و ساختن قصر به دست سنمار که از معماران بنام و شخصیتی تاریخی بوده، (برتلس، ۱۳۵۵: ۱۰٤) در تواریخ ذکر شده است (غلامرضایی، ۱۳۷۰: ۲۵۹). مَثَل «جزای سنمار» بازماندهٔ همین داستان در منابع فارسی و عربی است. زمینه‌های اصلی داستان *هفت‌پیکر* در قصر خورنق شکل می‌گیرد. بهرام در همین خورنق است که با حجره‌ای در بسته و نقش هفت‌پیکر آشنا می‌شود و به این پیکرها دل می‌بندد و بی‌درنگ پس از مرگ پدر به ایران بازمی‌گردد امّا با خسرو که پادشاهی را تصاحب کرده، مواجه می‌شود. برگرفتن تاج از میان دو شیر (*هفت‌پیکر*، ۸۳– ۹۹)

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1385.14.53.13.9]

راهی برای کسب پادشاهی است. پیروز میدان بهرام گور است. این داستان هم مستندات تاریخی دارد.[۳]

اکنون زمان شادی، بخشش و دهش است. حتّی با وجود قحط‌سالی چهارساله باز مردم در ناز و نعمت هستند. بهرام کوشید برای زدودن خاطرهٔ ستم پدرش، یزدگرد بزه‌گر، مردم را به آسایش رساند؛ پس خراج یک ساله را از آنان برداشت و همین موضوع باعث محبوبیت و حتی رواج داستان‌های او شد. او نه آن‌که خود خوش‌گذران بود؛ بلکه مردم را هم به خوش‌گذرانی تشویق می‌کرد.

داستان بهرام گور و کنیزش "فتنه" و بی‌توجهی فتنه به هنرمندی بهرام و نهایت مجازات او، برگرفته از طرح سادهٔ داستان در *شاهنامه فردوسی* (پادشاهی یزدگرد بزه‌گر، ج۷: ۲۹٤ـ ۳۰۲) است که در منابعی چون *عیون‌الاخبار* (ج۱: ۱۷۸) و *البدء والتاریخ* (ج۳: ١٦٤) آمده است. جنگ او با خاقان چین و شکست دادن و آسودگی خیال وی باعث می‌شود به گذشته‌ها بازگردد و خاطرهٔ خورنق و هفت تصویر جادویی را در خود زنده کند و این آغاز بخش دوّم داستان است که هم علّت تسمیه کتاب است و هم جذاب‌تر و زیباتر از بخش اوّل.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1385.14.53.13.9]

جدول (۱) مقایسهٔ نقش‌مایه‌های زندگی بهرام گور در تاریخ طبری، شاهنامه و هفت‌پیکر:

تاریخ طبری	شاهنامه	هفت‌پیکر
مرگ یزدگرد – تولد بهرام	تولد بهرام	تولد بهرام
ساختن قصر خورنق	پرورش بهرام نزد نعمان	سفر به یمن؛ ساختن قصر خورنق؛ مرگ سنمار
گرفتن لقب بهرام گور	–	گرفتن لقب بهرام گور
–	یافتن گنج	یافتن گنج
–	–	اتاق منقش، پیشگویی آینده بهرام
بازگشت به ایران	بازگشت به ایران	بازگشت به ایران و حکومت
به حکومت رسیدن بهرام	به حکومت رسیدن بهرام	شکار به همراه فتنه
–	بهرام گور و لنبک آبکش	–
–	خشم بهرام از روستائیان	–
سفر به هند	–	ساختمان قصر هفت‌گنبد
	ازدواج با چهار دختر آسیابان	
–	–	هفت افسانه هفت شاهزاده
–	–	داستان چوپان پیر و هفت داستان زندانیان
–	بازرگان خسیس و خدمتکار سخاوتمند	–
	–	امتناع از خوشگذرانی
–	کشتن اژدها و بیماری	–
–	ازدواج با دختران زرگر و سه دختر برزین	–

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1385.14.53.13.9]

–	نزاع با فرشیدور ثروتمند	–
جنگ با خاقان چین	جنگ با خاقان چین	جنگ با خاقان چین
	سفر به هند	
مرگ بهرام	مرگ بهرام	مرگ اسرارآمیز

بهرام هیچ‌گاه خاطرهٔ هفت لعبت، خورنق را فراموش نمی‌کند. به دنبال آنان می‌شتابد و یک‌یک آنان را می‌یابد: دختر شاه پارس را که پروردهٔ شبستان خسرو مدعی و رقیب حکومت بود، خواستگاری کرد؛ دختر خاقان چین را از پادشاه مغلوب بازستانده، دختر قیصر را با لشکرکشی به روم و تهدید به دست آورد؛ دختر شاه مغرب را با هدیه به حبالهٔ نکاح کشید؛ دختر رای هند را با خود از هند بازآورد؛ دختر شاه خوارزم و سقلاب را با قاصد و نامه خواستگاری کرد؛ آن‌گاه به کمک شیده، شاگرد سنمار، هفت گنبد با هفت رنگ برای هر یک از هفت پیکر بنا می‌کند و هر روز را در گنبدی به عیش و نوش و قصه‌گویی یکی از دختران می‌گذراند.

اوّلین داستان را روز شنبه دختر پادشاه اقلیم اوّل در گنبد سیاه تعریف می‌کند. داستان «پادشاه هند و پری شهر سیاه‌پوشان» است که هدف آن بیان افزون‌طلبی‌های آدمی برای کسب لذات و شهوات است. قهرمان گنبد سیاه و تمام ساکنان شهر سیاه‌پوشان به مرگ بر اثر زیاده‌خواهی دچار شده‌اند. نظامی این داستان کوتاه و بی‌اطناب و پرتخیل و هیجان‌آفرین را به گونه‌ای پرورده که شاهکار هفت‌پیکر است.

در دوّمین شب دختر شاه روم در گنبد زرد، داستان پادشاه کنیزفروش را بیان می‌کند که نشانگر بی‌وفایی زنان است.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1385.14.53.13.9]

داستان «بشر پرهیزگار و زن ملیخا» سوّمین داستان *هفت‌پیکر* است که روز دوشنبه در گنبد سبز دختر پادشاه اقلیم سوّم نقل می‌کند. این داستان نیز صداقت، درستکاری و چشم پاکی بُشر پرهیزگار را نسبت به زن ملیخا نشان می‌دهد که در پایان داستان نیز به وصال وی نایل می‌شود. دو قهرمان یکی دانا (بُشر) و یکی مدعی دانایی (ملیخا) است که به مرگ ملیخا و رسیدن بشر به زن وی که در آغاز دیده و عاشق او شده، ختم می‌شود. نظامی نشان می‌دهد آدمی با درستکاری از طریق طبیعی و شرعی به خواسته‌هایش می‌رسد. این افسانه نیز پیش از نظامی شهرتی داشته و نظیر آن را در رسالهٔ *سرّالاسرار* و *رسایل اخوان‌الصفا* می‌بینیم. زرین‌کوب در کتاب *پیر گنجه در جستجوی ناکجاآباد* (۱۳۸۰: ۱۵۷) گمانه‌زنی‌هایی دربارهٔ نصرانی و سریانی بودن داستان کرده است.

چهارمین داستان را دختر اقلیم چهارم در روز سه‌شنبه و در گنبد سرخ نقل می‌کند که افسانهٔ دختر شاه رومی و شاهزادهٔ نیکنام است. زرین‌کوب (همان، ۱۵۷) داستان را صورتی دیگر از دژ هوش‌ربا در *مثنوی* می‌داند که مضمون آن در ادبیات اروپایی و قصّه‌های مصر باستان نیز دیده می‌شود. دو تن از غربیان یکی کارلوگوتسی نویسندهٔ ایتالیایی و دیگر شیللر آلمانی داستان را به عنوان *توراندت* (همان توراندخت) به صورت نمایشنامه درآورده‌اند. داستان کارلوگوتسی برگرفته از *هزار و یک شب* است که «شاهزاده خلف و شهدخت چین» نام دارد. چلکوفسکی (۱۳۷۰: ۷۱٤ـ ۷۲۲) و الهی قمشه‌ای در مقالهٔ *«تفسیری بر داستان گنبد سرخ»* (۱۳۷۳: ۳۲ـ ۳۸) این داستان را شرح و تأویل کرده‌اند.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1385.14.53.13.9]

داستان چهارشنبه شب را دختر شاه مغرب در گنبد پیروزفام می‌کند که ماجرای «ماهان مصری در سرزمین غولان» است. داستان «خیر و دختر کرد» یا «خیر و شر» ششمین افسانه است که در روز پنجشنبه در گنبد صندلی و از زبان دختر اقلیم ششم روایت می‌شود. در این داستان پرجاذبه درستکاری و صداقت و مکافات عمل اشخاص درستکار و بدکار به نمایش گذاشته می‌شود. این داستان روایت‌های فراوان دارد که محمود امید سالار در مجلّهٔ *ایرانشناسی* (سال سوم، ش٤، زمستان ۷۰، صص٧٤- ۷۹) به ریشه‌شناسی آن‌ها پرداخته است. دکتر زرین‌کوب (۱۳۷۹: ۱۵۹) با مقایسهٔ خیر و شر در «مجموعهٔ امثال دون خوان مانویل» رنگ پرنور و تخیل شرقی را در اثر دون خوان به شکلی بارز و برتر نشان می‌دهد.

هفتمین داستان، داستان «خواجهٔ پارسا و دختر زیبا» است که روز آدینه در گنبد سفید دختر پادشاه اقلیم هفتم؛ یعنی دختر کسری، فرزند رقیب وی نقل می‌کند. داستان عصمت و پارسایی مردی است که در مواجهه با اظهار عشق زنان، از گناه مصون می‌ماند.

پایان قصه‌گویی‌ها آغاز هرج و مرج و لشکرکشی مجدد خاقان چین است. برخورد او با چوپانی که سگی را آویخته و داستان خیانت او را برملا می‌کند، منجر به عبرت بهرام و بازگشت به حکومت می‌شود.

بهرام در سنین شصت به بعد نیز پس از توبه و عزلت، به بهانهٔ شکار به دنبال گور، راهی غاری می‌شود که از آن پس هیچ کس بازگشت او را ندید و بدین‌ترتیب چهرهٔ افسانه‌ای بهرام با «مرگ مرموز» یا «بی‌مرگی»، کامل می‌شود.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1385.14.53.13.9]

هدف نظامی از داستان *هفت‌پیکر* به تصویر درآوردن جنبه‌های عشقی و افسانه‌ای زندگی بهرام گور است. بهرام که عاشق‌پیشه و خوش‌گذران است به یاد هفت تصویری که در خورنق دیده بود، دختران هفت اقلیم را خواستگاری می‌کند و می‌خواهد با آن‌ها ازدواج کند. برای هر یک قصری و گنبدی به رنگی می‌سازد که با رنگ و سبک آن کشور تناسبی دارد. هفت رنگ عبارتند از: سیاه، زرد، سبز، قرمز، کبود، صندل و سفید. بهرام هر روز نزد یکی از دختران می‌رود. هر اقلیم نیز به ستاره‌ای منسوب است. هر یک از دختران هند، چین، خوارزم، روم، ایران، بیزانس و مغرب برای او افسانه‌ای می‌گویند. این افسانه‌ها حکم داستان در داستان را می‌یابد که در سنت داستان‌پردازی مشرق‌زمین سابقه دارد و نمونه‌های آن را در آثاری چون *طوطی‌نامه*، *کلیله و دمنه*، *مرزبان‌نامه* می‌توان دید. هفت افسانه به تنهایی نیز استقلال دارند. خلاف دیگر آثار نظامی، این منظومه به دلیل تنوع داستانی و جاذبه‌های افسانه‌ای از توصیف‌های بلند و ماجراهای کشدار خالی و در کمال ایجاز است.

تنوع در سرتاسر هفت‌پیکر موج می‌زند؛ تنوع قصّه‌ها، جنبه‌های سحرآمیز و تخیلی، تنوع مضامین و موضوعات و پیام‌های اخلاقی همگی داستان را از یک‌نواختی بیرون آورده است.

زمینه‌های اصلی داستان‌های هفتگانه در ادبیات شفاهی و فرهنگ مردم است که بعدها برخی از عناصر و بن‌مایه‌های این داستان‌ها در افسانه‌های دیگر ایرانی راه می‌یابد. جز مضمون‌های عامیانه حضور عدد هفت در کل منظومه (معین، ۱۳۳۸: ۲٦۸) از جمله تأثیرات عقاید عامیانه است؛ هفت اقلیم، هفت ستاره، هفت پیکر، هفت گنبد، هفت رنگ، هفت مظلوم. این تأثیر عددی بعدها نیز در نام‌گذاری نظیره‌ها دیده می‌شود؛

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1385.14.53.13.9]

هفت اختر، *هفت منظر*، *هفت کشور*، *هفت اورنگ*، *هشت بهشت*، *هفت نقش*، *آسمان هشتم*، *هشت گلشن*؛ با این تفاوت که منظومه‌هایی که با هفت آغاز می‌شود تحت تأثیر *هفت‌پیکر* و آن‌هایی که عدد هشت در آن‌ها دیده می‌شود متأثر از *هشت بهشت* امیرخسرو بوده‌اند.

نظیره‌های هفت‌پیکر

با جست‌وجو در فهرست‌های خطّی و چاپی ۲۱ عنوان یافتیم که نظیرهٔ *هفت‌پیکر* هستند. این ۲۱ نظیره به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم از شیوه‌های داستان‌پردازی متأثر شده‌اند. جز این، در تاریخ ادبیات فارسی بسیاری از آثار و منظومه‌های فارسی به وزن *هفت‌پیکر* سروده شده‌اند؛ مثل *کمال‌نامه* خواجوی کرمانی (۶۷۹ـ ۷۵۳) در سیر و سلوک؛ *چهار چمن* از شاه داعی شیرازی (۸۱۰ـ ۸۷۰)؛ *سلسلة‌الذهب* جامی (۸۱۷-۸۹۸) *هفت اورنگ* یا *عشق‌نامه* از اوحدی مراغه‌ای (۷۳۸)؛ *شاه و درویش* از هلالی جغتایی (۹۳۶) *هفت گنج* از زلالی خوانساری (۱۰۲۵)؛ *هفت جوهر* از ابجدی هندی (۱۱۹۲) و بسیاری آثار دیگر.

۱. هشت بهشت: *هشت بهشت* آخرین مثنوی از خمسهٔ امیرخسرو دهلوی (۶۵۱-۷۲۵) است که به سال ۷۰۱ق. و در ۳۴۰۵ بیت در بحر خفیف به تقلید از نظامی سروده شد. امیرخسرو اوّلین مقلد آثار نظامی است که آثار وی مورد تقلید شاعران بسیار خصوصاً شاعران شبه قاره قرار گرفت. امیرخسرو مثل هر مقلد دیگر ادعای نوآوری داشته، لیکن تنها در *هفت‌پیکر* این نوآوری دیده می‌شود؛ زیرا روایت *لیلی و مجنون*، *خسرو و شیرین* و *آیینه اسکندر* نظم همان مطالب گذشته است و امیرخسرو جز

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1385.14.53.13.9]

توصیفات تازه‌تر کاری نمی‌توانسته انجام دهد، ولی در *هفت‌پیکر* ماجرا متفاوت است. *هفت‌پیکر* دو بخش دارد:

داستان اصلی و کلیات آن مطابق با *هفت‌پیکر* نظامی است، امّا در بخش دوّم، هفت داستان امیرخسرو با هفت داستان نظامی متفاوت است. امیرخسرو داستان فتنه و بهرام را به عنوان اوّلین داستان برگزیده و به این ترتیب هشت داستان را به عنوان *هشت‌بهشت* به جای *هفت‌پیکر* نام اثر خود انتخاب کرده است. وی نام فتنه را به "دلارام" تغییر داده است که کنیزکی چینی و رام‌کننده دل‌ها و رودنواز است. درخواست دلارام از بهرام همان درخواست فتنه نظامی و ناجی او به جای سپهسالار، دهقان موسیقی‌دان است. امیرخسرو به جای کار پرمشقت بالا بردن گاو از شصت پله، رام کردن حیوانات با موسیقی را ـ که دل‌مشغولی و هنر خود او نیز هست ـ برای هنرآوری دلارام برمی‌گزیند. دلارام با هیپنوتیزم آهوان به بهرام نشان می‌دهد که کار او نیز از سر تعلیم بوده است. علّت ساخته شدن قصر، خلاف روایت نظامی، باز داشتن بهرام از شکار و صحراگردی است که تزلزل امور کشوری را به دنبال دارد؛ پس هفت گنبد می‌سازند تا توجه بهرام را به زیبارویان آنجا معطوف دارند و اتفاقاً این چاره‌اندیشی کارگر می‌افتد. پس از آن بهرام هر روز به کاخی می‌رود و به داستان شاهزادهٔ کشوری گوش می‌دهد:

روز شنبه در بهشت دوّم، گنبد مشکین، غزاله هندی داستان «سه شاهزاده» را می‌گوید که پدر تکلیف کرده به کشوری روند تا تجربه آموزند. در راه ساربانی می‌بینند که شتر گم کرده، هر یک نشانی درستی از شتر می‌دهند، امّا هیچ یک شتر را

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1385.14.53.13.9]

ندیده‌اند. در نهایت ضمن آشنایی با پادشاه آن کشور با هوش و فراست خود نشانی‌های دیگری به شاه می‌دهند که معلوم می‌شود شاه آشپززاده است.

داستان دو بخش عمده دارد: بخش اوّل آن به داستان ضرب‌المثل مشهور «شتر دیدی ندیدی» اشاره دارد که روایت‌های گوناگونی از آن باقی است (ر.ک ذوالفقاری، ۱۳۸٤: ٦۰۷). بخش دوّم که خود داستان مستقلی است، تنها از این جهت با بخش اوّل پیوند می‌خورد که شمّ قوی و هوش و فراست شاهزادگان را نشان می‌دهد.

روز یکشنبه در بهشت سوم و گنبد زعفرانی، شاهزادهٔ نیمروز داستان «حسن زرگر» را نقل می‌کند که از داستان‌های مشهور عامیانه و در شمار داستان‌های عیّاری است. محور عمدهٔ داستان پرهیز از رازگویی با زنان است. حسن زرگر که هنرمندی سرآمد است با طلای شاه پیلی زرّین می‌سازد لیکن تمام زرها را به کار نمی‌برد. دشمنان از طریق همسر وی به رازش پی می‌برند و حسن نیز در زندان با نیرنگی از همسرش انتقام می‌گیرد.

امیرخسرو این داستان را که به حیله‌های عیّاران برمی‌گردد از محیط هندوستان اخذ کرده است؛ چنان‌که باب پنجم از قسم سوّم *جوامع‌الحکایات* به این داستان‌ها اختصاص یافته و عوفی بر منشاء هندی آن‌ها صحّه می‌گذارد (محجوب، ۱۳۵۷: ۳۸)

روز دوشنبه در بهشت چهارم در گنبد ریحانی، ماه سبز رنگ داستان «مسافر هندی» را تعریف می‌کند که قادر به نقل روح از کالبدی به کالبد دیگر است. شاه با پی‌بردن به این راز، از هندی می‌خواهد نقل روح را به وی بیاموزد. این موضوع از سویی باعث سرگردانی و بدبختی مرد هندی می‌شود و از سویی دیگر شاه تاب حفظ راز را ندارد و آن را به وزیر می‌آموزد و وزیر از راز علیه شاه بهره می‌گیرد؛ کالبد شاه را به آهویی

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1385.14.53.13.9]

منتقل می‌کند که پریشانی شاه و آوارگی او را به دنبال دارد. سرانجام شاه در کالبد طوطی، خود را به حرمسرا می‌رساند و با همکاری همسرش به کالبد خود بازمی‌گردد.

زمینهٔ اصلی داستان، زیان افشای راز است که با یکی از بن‌مایه‌های داستان‌های هندی درآمیخته است. محجوب (۱۳۵۷: ٤٣) زمینه‌های داستان را در *چهل طوطی* ضیاء نخشبی، *بهار دانش* و *الف نهار* نشان داده است.

پنجمین داستان امیرخسرو مربوط به روز سه‌شنبه و بهشت پنجم، گنبد گلناری و گویندهٔ گلعذار تاتاری است. این داستان نیز در شمار داستان‌های عیّاری و طرّاری است: پنج دوست هنرمند همسفر می‌شوند که یکی از آن‌ها شاهزاده‌ای است. شاهزاده در معبدی عاشق بتی می‌شود که چون درمی‌یابد زنده است، به دنبالش می‌رود و با سختی فراوان و به کمک پیرزن گل‌فروش و چهار دوست خود به وصال وی نائل می‌آید. کنش‌های داستانی و هیجان این داستان بیش از دیگر داستان‌هاست. عشق به بت، آزمایش عاشق به دست معشوق و بسیاری از عناصر و بن‌مایه‌های این داستان را می‌توان در داستان‌های عاشقانه دیگر یافت.

روز چهارشنبه در بهشت ششم و گنبد بنفشه‌ای نوبت آهوی رومی است تا داستان خود را باز گوید. البتّه این داستان به پایهٔ داستان‌های دیگر امیرخسرو نمی‌رسد. داستان پسر بازرگان رومی است که به جهانگردی علاقه‌مند است. وی در سفرهای خود با عجایبی روبه‌رو می‌شود، از جمله بنفش‌پوشی مردمان شهری که نیمی گویا و نیمی خاموش هستند. بازرگان‌زاده با ورود به حمّام بنفش و دیدار ماهرویان و ملکهٔ آنان در بزمشان شرکت می‌کند و طّی حوادثی طولانی به شهری می‌رسد که چون پادشاه آنجا

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1385.14.53.13.9]

مرده، وی را به پادشاهی برمی‌گزینند. وی با هفت معشوق شاه مرده به سرمی‌برد. تنها شب هفتم آن‌چه نباید پیش آید، پیش می‌آید. معشوق ناپدید می‌شود و هرچه در گرمابه دنبال او می‌گردد نمی‌یابد و سرانجام از همان جایی سردرمی‌آورد که در آغاز داستان وارد شده است.

داستان روایتی دیگر از اوّلین داستان نظامی در گنبد سیاه است. امیرخسرو عناصر و بن‌مایه‌های محلّی دیگری نیز بر آن افزوده است. ولی استحکام داستان نظامی و عمق و استواری آن را ندارد. داستان ششم (بهشت هفتم) را در گنبد صندلی و معشوق صندلی اندام بیان می‌کند. درون‌مایهٔ داستان حیله‌گری زنان، از موضوعات رایج داستان‌های هندی است. داستان زن بازرگانی است که شوهرش به سفر رفته و پیرزنی وی را اغفال می‌کند، امّا طوطی بازرگان با گفتن داستان‌های دلنشین، نقشهٔ پیرزن را به تأخیر می‌اندازد. طرح اصلی داستان همان است که در *هزار و یک شب* و *طوطی‌نامه* و آثار مشابه دیده می‌شود. آخرین داستان *هشت‌بهشت* را روز جمعه در بهشت هشتم و گنبد کافوری، زیباروی خوارزمی نقل می‌کند. درون‌مایه داستان پیمان‌شکنی زنان و تظاهر آنان به ستر و صلاح است.

فیلسوفی در چین تمثالی از زر و سیم می‌سازد که به زبان آمده و لاف‌زنان را رسوا می‌کند. فیلسوف آن را به شاه هدیه می‌دهد. شاه که از ترس مکر زنان ازدواج نمی‌کرده، راضی می‌شود ازدواج کند. چهار عروس برایش مهیا می‌کنند که سه عروس به نوعی خلاف‌کارند و مجسمه راز آن‌ها را افشا می‌کند، تنها عروس چهارم پارسا

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1385.14.53.13.9]

است که شاه در نهایت با وی ازدواج می‌کند. پایان *هشت‌بهشت* نیز مرگ بهرام است با این تفاوت که به جای غیبت در غار، در چاهی ژرف فرو می‌رود.

چنان‌که می‌بینیم رنگ گنبدها با آن‌چه نظامی نقل می‌کند فرق دارد. داستان‌ها متفاوت است و تا آن‌جا که ممکن بوده امیرخسرو کوشیده از رنگ تقلیدی منظومهٔ خود بکاهد، «لیکن گاهی سیاق الفاظ و ترکیب‌های لفظی نشان می‌دهد که حتی بعضی بیت‌های خسرو تحت تأثیر بیتی خاص از نظامی با همان قافیه‌ها سروده شده است» (همان، ٦٦). برای نمونه:

هشت‌بهشت (ص۳۵۲):

شکمی داشت از خورش خالی — خورد هرگونه میوه‌ای حالی

هفت‌پیکر (ص۱۵۵):

چون دمی دیدم از خلل خالی — در نشستم در آن سبد حالی

هشت‌بهشت (ص۲۲۷):

چون یقین گشتشان که پنهانی — بنده شد زال از آن زر افشانی

هفت‌پیکر (ص۱۵۲):

مرد قصاب از آن زر افشانی — صید من شد چو گاو قربانی

امیرخسرو تمام مثنوی‌های خود را در کمتر از سه سال به نظم کشید و شتاب در نظم و داستان‌پردازی باعث شده است سطح داستان‌هایش ـ نه به‌طور مطلق ـ از سطح آثار نظامی پایین‌تر آید، امّا نقش مهم امیرخسرو انتقال میراث داستانی و مکتب نظامی

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1385.14.53.13.9]

به شبه قاره است؛ چه آن‌که پس از امیرخسرو هشت منظومه از تقلیدهای *هفت‌پیکر* مربوط به شبه قاره است.

کار دیگر امیرخسرو ورود عناصر هندی در داستان‌هاست، چنان که اغلب آثار او را موضوع‌های محلّی تشکیل می‌دهند؛ مثل حماسهٔ *«قران‌السعدین»* شرح نزاع‌های بغراخان و پسرش کیقباد است و *«مفتاح‌الفتوح»* که توصیف فتوحات امیر جلال‌الدین فیروز شاه خلجی است و *تغلق‌نامه* داستان عشقی مربوط به امیر غیاث‌الدین تغلق‌شاه است. در این داستان‌ها نیز چنان‌که دیدیم عناصر و بن‌مایه‌های هندی در اصل داستان‌ها راه یافته‌اند.

۲. هفت اورنگ جمالی: *هفت اورنگ* سرودهٔ شاعری به نام جمالی (۸۲۰ ق.) است که به گواهی آته (۱۳۵٦: ۸٤) نسخهٔ آن در ایندیا آفیس به شماره ۱۳۸. No موجود است، امّا در منابع موجود نشانی دیگر از آن نیافتیم.

۳. هفت اورنگ مراغی: این مثنوی را درویش اشرف مراغی (فوت ۸٥٤ ق.) از شاعران پرکار قرن نهم معاصر بایسنغر سروده است که به «*عشق‌نامه*» نیز شهرت دارد. وی *منهج‌الابرار* را در برابر *مخزن‌الاسرار* و *شیرین و خسرو* و *لیلی و مجنون* و *اسکندرنامه* یا *ظفرنامه* را نیز در برابر خمسهٔ نظامی سرود (نفیسی، ج ۱، ۱۳٦۳: ۳۱۰). وی مثنوی *هفت‌اورنگ* را به سال ۸٦٤ به اتمام رسانده و آته نسخهٔ خطی آن را در بودلین به شماره ouseley ۲۳۷ دیده است (آته، ۱۳٥٦:۸٤).

٤. نُه منظر: افسانهٔ نُه منظر به نثر از مؤلفی ناشناس و برگرفته از نسخه‌ای متعلّق به قرن نهم است که خلاصهٔ آن برای اوّلین بار در مجلّهٔ *سخن* (۱۳٤۸: ۸۳۹) درج گردید. منزوی (ج ۱، ۱۳۷٦: ٤۹۰) برخی نسخه‌های آن را معرّفی می‌کند؛ از جمله: گنج‌بخش،

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1385.14.53.13.9]

ش ٤١١٨ و ۱۳۹۹/۳، بلوشه ١٥/٤، لنین‌گراد، آکادمی علوم ٢٤١٩ و ١٤٩٦، ازبکستان تاشکند، ٢٤٣/٢ (سه نسخه) سلیمانف، ٢٦٣/٢ و ریو ٧٧٣/٢ .

خلاصهٔ داستان چنین است: گرگین پادشاه دادگستر شهر دربند قبل از مرگ، فرزندش را که هنوز متولد نشده، به دو وزیرش فارس بهرام و فرخ بهزاد می‌سپارد. فرخ بهزاد به تخت می‌نشیند و تصمیم می‌گیرد فرزند شاه را قبل از تولد بکشد. این نقشهٔ خود را با فارس بهرام در میان می‌نهد و غلامان فرخ بهزاد همسر شاه را می‌کشند، لیکن فرزند زنده می‌ماند. فارس بهرام که در دل به این کار راضی نیست وی را با جواهری و شرح حالی برگردن رها می‌کند. فرزند شاه را شیری بزرگ می‌کند و بازرگانی معروف به نام خواجه اسعد فرزند را با نوشته برگردن می‌یابد و از شرح حالش آگاه می‌شود. کنیز خواجه او را بزرگ می‌کند و نام شیرزاد را بر او می‌گذارند. شیرزاد در مکتب تمام علوم و فنون را فرا می‌گیرد. از آن سو فرخ بهزاد دختری به اسم گلشاد دارد که او نیز در علوم و فنون سرآمد است. گلشاد صاحب کاخی به نام نه منظر است که هر منظر آن به طالع کوکبی از کواکب است. شیرزاد از نه منظر و احوال آن آگاهی می‌یابد و به بهانهٔ تجارت به سوی قصر می‌رود. گلشاد که به قصد تفریح اطراف قصر است جوان را می‌بیند و دل به او می‌بازد. شیرزاد نیز عاشق دختر می‌شود. گلشاد از دو غلامش خالص و مخلص می‌خواهد جوان را نزد وی آرند. وصال میسر می‌شود، امّا باغبان از سر حسد فرخ بهزاد را مطلع می‌سازد. مأموران به قصر می‌روند و شیرزاد با شجاعت تمام با آن‌ها مبارزه می‌کند، امّا سرانجام با کمین شاه به اسارت درمی‌آید. خواجه اسعد که از دیر کردن شیرزاد نگران می‌شود با سیصد تن شیرزاد را نجات می‌دهد. در این

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1385.14.53.13.9]

درگیری‌ها است که خواجه اسعد راز پنهانی را آشکار می‌کند و شیرزاد را همان پسر گرگین شاه معرفی می‌کند. فارس بهرام نیز گواهی‌های خواجه اسعد را درست می‌داند و از فرخ بهزاد می‌خواهد تاج را به وی بازگرداند. شیرزاد از گناه فرخ درمی‌گذرد و به تخت شاهی می‌نشیند و در نه منظر به عیش می‌پردازد.

روزی شیرزاد به یاد مرگ فجیع مادرش به دست فرخ بهزاد می‌افتد و دستور می‌دهد وی را زندانی و اعدام کنند. گلشاد که جان پدر را در خطر می‌بیند تا نه شب، نه داستان را در نه منظر برای شیرزاد می‌گوید تا مرگ پدر را به تأخیر بیندازد. سرانجام نیز با شفاعت گلشاد وی را می‌بخشد. سالیانی دراز شیرزاد به عدل حکومت می‌کند و روزی در شکارگاه سوار بر شیری می‌شود و دیگر کسی او را نمی‌بیند. گلشاد نیز از این غم خود را از فراز نه منظر به زیر می‌افکند.

داستان خصوصاً در تأخیر انداختن مرگ از سنت‌های افسانه‌پردازی *هزار و یک شب*، *بختیارنامه* و *سندبادنامه* متأثر شده و آمیزه‌ای از آن‌ها است. در این افسانه راوی نُه داستان تنها گلشاد است نه زیبارویانی از نُه کشور. گلشاد همان شهرزاد قصّه‌گو است. در این افسانهٔ پرهیجان، عناصر و بن‌مایه‌های داستان‌های عیّاری و عاشقانه یک‌جا جمع شده‌اند.

۵. هفت منظر: *هفت منظر* سرودهٔ هاتفی خرجردی (فوت ۹۲۷) خواهرزادهٔ جامی است. وی با اجازهٔ دایی‌اش پنج منظومه به نام‌های *لیلی و مجنون*، *شیرین و خسرو*، *هفت منظر* و *تمرنامه* و *شاهنامه* سرود. *هفت منظر* با ۲۱۰۰ بیت به بحر خفیف سروده شده و آغاز آن چنین است:

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1385.14.53.13.9]

ای نگارنـــــدهٔ صـــــحیفهٔ غیـــــب نـــام تـــو صـــدر صـــفحهٔ لاریـــب

نقـــش‌پـــرداز کارخانـــهٔ کُـــن کارســـاز جهـــان بـــی‌ســـر و بُـــن

شاعر پس از مقدمات و نصیحت به فرزند، داستان بهرام را طبق روایت‌هـای معمـول می‌آورد و سپس داستان بهرام را با هفت زیبارو به شرح زیر نقل می‌کند:

مجلس آرایی	شاه بهرام	روز شنبه	در منظر عنبر فام
"	"	روز یکشنبه	در منظر نارنجی
"	"	روز دوشنبه	در منظر سبزگون
"	"	روز سه‌شنبه	در منظر گلگون
"	"	روز چهارشنبه	در منظر کبود فام
"	"	روز پنج‌شنبه	در منظر صندل نام
"	"	روز جمعه	در منظر سفید

نُسخه‌های خطی *هفت منظر* متعدد است. منزوی (نسخه‌ها: ۳۳۲٤/٤) دوازده نسخه را معرّفی می‌کند که قدیمی‌ترین آن مربوط به کتابخانهٔ ملک بـه شـمارهٔ ٥٦٠٠ بـه تـاریخ ۹۲۹ یعنی دو سال پس از مرگ شاعر است.

٦. هفت اختر: عبدی بیگ نویدی شیرازی (فوت ۹۸۸) در سال ۹٤٦ق. طـی هفـت ماه به تقلید از نظامی، *هفت اختر* را در تبریز سرود. ابیات آن ۳۲۷۰ بیت در بحر خفیف است. وی از خود سه خمسه بر جای گذاشت:

خمسهٔ اوّل: *مظهرالاسرار*، *جام جمشیدی*، *هفت اختر*، *مجنون و لیلی*، *آیین اسکندری*

خمسهٔ دوّم: *جوهر فرد*، *دفتر درد*، *فردوس‌العارفین*، *انوار تجلّی*، *خزاین ملکوت*

خمسهٔ سوم: *روضة‌الصفات*، *دوحة‌الازهار*، *جنة‌الاثمار*، *زینة‌الاوراق*، *صحیفة‌الجواهر*

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1385.14.53.13.9]

منظومه *هفت اختر* سومین منظومه از خمسهٔ اوّل اوست که به زندگی بهرام گور پرداخته است، وی در چندین جا به نو بودن اثر خود تصریح می‌کند:

میوهٔ نو به باغ از حد بیش چه کشم میوهٔ کهن را پیش

پس از بخش اوّل که مطابق روایات پیشین است در داستان بهرام و کنیز نیز تغییراتی داده است. نام کنیز را ناهید انتخاب کرده که بهرام او را از کاروانیان می‌خرد. ناهید، کار بهرام را پس از چابک‌دستی در شکار، جادو می‌خواند و بهرام نیز از سرخشم وی را به چاه می‌افکند. کاروانیان او را نجات داده و دوباره به بهرام می‌فروشند و سرانجام ناهید به کمک آهن‌ربا، بتی را حرکت می‌دهد که باعث تعجب شاه می‌شود. این بخش نسبت به اصل داستان بسیار متفاوت است و روایت عبدی بیک از داستان نسبت به نظیره‌های دیگر تفاوت کلّی و تازگی دارد. در مجموع عبدی بیک روش امیرخسرو را پیش رو قرار داده است.

هفت قصه‌گو در *هفت اختر*، هفت شاهدخت به شرح زیر هستند:

الف: افسانه‌گویی شاهدخت خراسان روز یکشنبه در گنبد زرد و با جامهٔ زرد با داستان «حسن زرگر» که این داستان با شباهت‌ها و تفاوت‌هایی همان است که در *هشت بهشت* می‌خوانیم.

ب: افسانه‌گویی بت چینی روز دوشنبه در گنبد سبز با لباس سبز با افسانه «شهر سبز»، این داستان با چهارمین داستان امیرخسرو شباهت ظاهری دارد. در *هشت بهشت* شاهزاده با تاجرزاده، حفّار، نجّار و باغبان رفیق راه است، امّا در *هفت اختر* شاهزاده به کمک طوطی، نقّاش، شیشه‌ساز، ملوان و نجّار به وصال معشوق می‌رسد.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1385.14.53.13.9]

ج: افسانه‌گویی بت رومی روز سه‌شنبه در گنبد سرخ با لباس سرخ، «حکایت صیّاد» است. این حکایت برابر است با ششمین داستان امیرخسرو که ماجرایی یگانه دارد و تنها در محیط‌های متفاوت ظاهر می‌شوند.

د: افسانه‌گویی بت شیراز روز چهارشنبه در گنبد کبود با «حکایت سلیمان»؛

ه: افسانه‌گویی بت سپاهانی روز پنج‌شنبه در گنبد سنجابی با افسانه «سنجاب و دختر شاه یمن»؛

و: افسانه‌گویی بت سمرقندی روز جمعه در گنبد سفید با لباس سفید با «حکایت زاهد»؛

ز: افسانه‌گویی بت کشمیری در روز شنبه در گنبد مشکین با افسانه «دو دزد چینی»؛

۷. **هفت دلبر**: اثر خواجه معین‌الدین محمد شیرازی پسر خواجه محمود دهدار (فوت ۱۰۱۶) است. ریو (فهرست، ۸۱۶) منظومه‌های او را با تخلص فانی دیده است. این منظومه ۱۲۰۰ بیت دارد که به فرمان اکبرشاه و به سال ۹۸۰ پایان یافته است و با این بیت شروع می‌شود:

حمد گویم خدای عالم را که شرف بخش داد آدم را

منظومه شامل هفت داستان خیالی است که هفت کنیز به نام‌های دلبر، دلدار، دلفریب، دل‌پسند، دلجوی، دل‌انگیز و دل‌آرام برای دل‌افراز دختر شاه بنگاله هنگامی که محبوبش به سفر رفته طی هفت شب تعریف می‌کنند تا آن‌که محبوب بازمی‌گردد (صدیقی، ۱۳۷۷: ۷۷).

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1385.14.53.13.9]

تنها نسخهٔ خطی *هفت دلبر* در دانشگاه پنجاب به شماره ۸۷۱۰۹۶ نگاهداری می‌شود (منزوی، ۱۳۵٤: ۳۳۲٤).

این داستان تنها در ساخت کلی و نام از *هفت‌پیکر* تبعیت می‌کند و الا نه از بهرام گور خبری است و نه از هفت گنبد، بلکه داستان دیگری است که هدف آن تأخیرافکنی و کوتاه کردن زمان است.

نقش مایه‌های اصلی قصّهٔ *هفت دلبر* شبیه قصه‌هایی چون *هزار و یک شب* و *طوطی‌نامه* است.

در داستان آخر راوی، قصهٔ دلباختگی پادشاه هند به دختری دکنی را که تن به ازدواج نمی‌داد بازمی‌گوید. وقتی پادشاه با او خلوت می‌کند و از او می‌خواهد چرایی این تن زدن را بازگوید، دختر از جفای مردان و وفای زنان که حتی به خاطر شوی خود تا مرز خودسوزی (ستّی) نیز پیش می‌روند، می‌گوید:

زن همیشه که با وفا کوشد — نی چو شوهر که در جفا کوشد
زن هندو مگر که چون شوهر — کند از کشور وجود، سفر
او غم آتش دل افروزد — زنده خود را به هم در سوزد

۱. **هفت کشور**: سرودهٔ فیضی دکنی (۹۵٤-۱۰۰٤) ملک‌الشعرای دربار اکبرشاه است که خمسه‌ای را در سال ۹۹٦ در پاسخ نظامی سروده است. *هفت کشور* چهارمین منظومهٔ اوست که به «*بهرامنامه*» نیز مشهور است. این منظومه به پایان نرسید و فیضی تنها توفیق یافت «نل و دمن» و «مرکز ادوار» را بسراید.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1385.14.53.13.9]

۹. هفت نقش: در فهرست آثار میرمحمد معصوم نامی بهکری (زنـده در ۱۰۱٤ق.) از منظومه «*هفت نقش*» در برابر *هفت‌پیکر* نامی برده شده است (آته، ۱۳٥٦: ۸٤)، لیکن نسخه‌ای از آن نیافتیم. نام خمسهٔ او *معدن الافکار*، *حسن و ناز*، *پری صورت*، *اکبرنامه* و *هفت نقش* است که فرزند بزرگ میر معصوم آن را بر روی سنگ مزار شیخ حمیدالدین ناگوری کنده است. *هفت نقش* با بیت زیر آغاز می‌شود:

هست بر نامه ابتدای همه به تو آغاز و انتهای همه

۱۰. هفت کشور: اثر محمود لاهوری (زنده در ۱۰۰۷ق.) که در سال ۱۰۰۷ این مثنوی را در ۲۰۰۰ بیت سرود. وی جز *هفت کشور*، *عاشق و معشوق* را در بحر هزج مسدس سرود. مجموعه آثار وی را محمد بشیر حسین از سوی دانشگاه پنجاب لاهور در سال ۱۳۹۹ چاپ کرده است. شاعر منظومهٔ خود را چنین آغاز می‌کند:

ای که از جن و انس و وحش و طیور هفت کشور تو کرده‌ای معمور

شاعر داستان شاهزاده‌ای را روایت می‌کند که پس از پدر صاحب تخت و تاج می‌شود و چون علاقهٔ زیادی به شکار دارد، به کشورداری نمی‌رسد، به تدبیر یکی از دوستان، هفت کاخ باشکوه برایش می‌سازند و هفت دختر زیبا از هفت کشور برایش می‌آورند و هر یک را در کاخی جای می‌دهند. بهرام هر شب پس از بازگشت از شکار در یکی از کاخ‌ها به داستان سرگرم‌کنندهٔ یکی از دختران گوش می‌دهد. شب هفتم نوبت دختری است که برای او داستان بهرام گور را بازگو می‌کند که در پی شکار هلاک می‌گردد. (صدیقی، ۱۳۷۷:٥٦). این داستان نیز شباهت صوری و ساختاری به *هفت‌پیکر* دارد. قصّهٔ هفتم همان داستان بهرام گور است تا این‌گونه، داستان ضمن

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1385.14.53.13.9]

حفظ انسجام، به محتوای *هفت‌پیکر* متصل شود. جز تأثیر از *هفت‌پیکر*، پیروی از *هشت بهشت* نیز در منظومه مشهود است. زبان و بیان منظومه به نسبت آثار مشابه پخته‌تر و سنجیده‌تر است. شاعرخوش‌گذرانی بهرام در روز شنبه را چنین وصف می‌کند:

روز شنبه که ریخت باد صبا — صبحدم مشک چون ز جیب قفا
شه در آمد به گنبد مشکین — خانه از عطر گشت غیرت چین
همچو کیوان ز خرّمی بهرام — جامه در برگرفت عنبر فام
ماه هندو ز عین رعنایی — با دو چشم چو ترک یغمایی
آمد و گشت همزبان با شاه — شد سخن‌گوی مشتری با شاه

(ص۱۷)

۱۱. **آسمان هشتم**: اثر روح‌الامین شهرستانی (۹۸۱- ۱۰۴۷) است که آن را در سال ۱۰۲۱ و در ۳۵۳۰ بیت به نام سلطان محمّد قطب شاه به نظم درآورد. این اثر به نام‌های «فلک‌البروج» و «بهرام‌نامه» و «هفت‌گنبد بهرام» نیز شهرت دارد. آغاز منظومه چنین است:

ای روان‌آفرین دل آرای — وی خرد را به خویش راهنمای

و چنان که ملاحظه می‌شود *آسمان هشتم* به وزن *حدیقه* سنایی است. نسخه‌های خطی این منظومه فراوان است از جمله دانشگاه تهران ۱۴۵۱، کتابخانه مجلس ۸۹۹۰/٤، موزهٔ بریتانیا ۹۰۳.

روح‌الامین داستان کلی بهرام گور و حوادث زندگانی او را طبق روایت نظامی سرود؛ لیکن به همهٔ مطالب وفادار نمانده است و برخی موارد از جمله بازخواست بهرام از وزیر ستمکار و شکایت مظلومان را در منظومهٔ خود نیاورده است.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1385.14.53.13.9]

۱۲. **هفت‌پیکر:** سرودهٔ عتابی تکلو (۹۷۳- ۱۰۲۵) که نسخه‌ای از آن در دست نیست (گلچین معانی، ۱۳٦۹: ۸٦۳).

۱۳. **هفت اختر:** سرودهٔ عیشی به سال ۱۰۷۰ که به نام اورنگ زیب و تقدیم به اوست. از این کتاب در فهرست‌های خطی نشانی نیافتم.

۱٤. **هفت اختر:** سرودهٔ شیخ محسن فانی کشمیری (فوت ۱۰۸۲) که چهارمین منظومه از خمسهٔ اوست. وی این منظومه را در سال ۱۰٦۸ تمام کرد. کتاب در آکادمی جامون و کشمیر به چاپ رسیده است.

۱۵. **هشت گلشن:** سرودهٔ حبیب‌الله حبیبی (زنده در ۱۰۸۹ق.) از دیباچه چاپی *یوسف و زلیخای* او (دهلی، ۱۳۳۹) معلوم می‌شود که او نُه منظومه داشته که یکی از آن‌ها *هشت گلشن* نام دارد، اما اثری از نسخهٔ آن در دست نیست.

۱٦. **رشتهٔ گوهر:** سرودهٔ بینش کشمیری (فوت ۱۱۰۰) وی این مثنوی را در برابر *هفت گنبد* سروده و در اصل داستان عاشقانهٔ «امیر و گوهر» از مردم ساری مازندران است. این داستان را نمی‌توان تقلیدی از *هفت‌پیکر* دانست. تنها شاعر از وزن *هفت‌پیکر* بهره برده است.

۱۷. **هفت‌پیکر:** سرودهٔ میرمحمّد شریف کاشف معاصر شاه عباس بزرگ است. تنها در فهرست آثار او به این منظومه اشاره شده است (صفا، ج۵، ۱۳۷۱: ۱۷٦۳).

۱۸. **هشت گلگشت:** یا داستان *بهرام و گلندام* به نثر از سید حسین شاه حقیقت (۱۱۸٦- ۱۲٤۹) است که در سال ۱۲۱۵ به نثر در آمده است. موضوع آن شکار بهرام گور و بی‌اعتنایی گلندام و خشم بهرام و بخشیدن گناه و شادمانی ایشان است. این

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1385.14.53.13.9]

داستان تماماً تقلید *هفت‌پیکر* است. *هشت گلگشت* به نام قصّهٔ *شهزاده بهرام و ملکه گلندام* (مشار، ۱۳٤۰: ۸۲٤/۱) چاپ شده است.

داستانی دیگر به نام «*بهرام و گلندام*» از شاعری به نام خواجه امین‌الدین محمد ارلاباد در فهرست نسخه‌های خطّی (سنا ۳۰٤/۲) و مجلس (۲۰٦۱۷) است که به غلط به کاتبی ترشیزی (یا نیشابوری) نسبت داده شده و داستان آن جز اشتراک نام هیچ ارتباطی با داستان بهرام گور ندارد. این منظومه داستان عاشق و معشوقی به نام بهرام و گلندام است که پس از ماجراهای رزمی و بزمی به هم می‌رسند.

۱۹. بهرام گور و بانو حُسن پری (ناشناس): داستان شاه بهرام از ولایت فارس و حسن بانو پریزاد است. در این داستان گورخر، بهرام را به آسمان برده و در باغ دیوان فرود می‌آورد (سخن، سال ۱۲، ۱۳٤۰: ۱۰٤).

۲۰. بهرام گور و دلارام (ناشناس): نمی‌دانیم آیا همان داستان بهرام و دلارام در *هشت بهشت* امیرخسرو است که به نثر بازنویسی شده یا اثری دیگر؟ (ر.ک آکادمی علوم، الفبایی آکیموشکین ۵۲۹/۱).

۲۱. داستان عوامانه هفت‌پیکر: به نثر از مؤلفی ناشناس که معلوم نیست نویسنده آن را از روایت نظامی در *هفت‌پیکر* گرفته است یا از منابع دیگر. حجم اثر دو برابر و نیم *هفت‌پیکر* نظامی است و به نظر می‌رسد ترجمه فارسی از روایت ترکی باشد.

نویسنده در اصل روایت نظامی تغییراتی داده و گاه با شاخ و برگ بیشتری حوادث را می‌آورد؛ مثلاً یکی از داستان‌های *هشت بهشت* امیرخسرو را با دومین داستان *هفت‌پیکر* در گنبد سرخ در آمیخته است و یا داستان ماهان بازرگان در *هفت‌پیکر* منثور پایانی دیگر دارد که برداشتی بی‌کم و کاست از باب بومان و زاغان *کلیله و دمنه* است. در شب هفتم نیز قبل از آن‌که دختر اقلیم هفتم افسانه‌سرایی کند ماجرای بهرام و

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1385.14.53.13.9]

حوض بلور پیش می‌آید که دقیقاً این قصه برداشتی از فصل چهل و هشتم *شرف‌نامهٔ* نظامی است. در این اثر هر کاخ علاوه بر رنگ، بوی خاصی نیز دارد.

علاوه بر این، تغییرات جزئی دیگری نیز در داستان‌ها دیده می‌شود که برگرفته از *هزار و یک شب* و متون داستانی دیگر است. گاه مترجم خود وارد حوادث داستان می‌شود و به اظهار نظر می‌پردازد. این کتاب به شیوهٔ چاپ سنگی با چهار مجلس تصویر در سال ۱۳۳۱ قمری در تهران به اهتمام حاجی شیخ احمد شیرازی چاپ شده است.

محمدجعفر محجوب (۱۳۸۱: ۷۳۹- ۷٦٥) طی مقاله‌ای مفصل این روایات را معرفی و با *هفت‌پیکر* نظامی مقایسه می‌کند. در دایرةالمعارف فارسی (مصاحب، ۱۳۸۱: ذیل هفت‌پیکر) کتابی را از شخصی ناشناس به سبکی ساده و عامیانه به نام *هفت‌پیکر* منثور معرفی می‌کند و توضیح بیشتری نمی‌دهد. نمی‌دانیم آیا مقصود همین داستان منثور است یا اثری دیگر؟

نظیره‌های غیر فارسی

۱. *هفت‌خوان* سرودهٔ نوعی‌زاده عطایی (۹۹۱- ۱۰٤٤) صاحب خمسه‌ای به تقلید از نظامی و به ترکی. وی این اثر خود را در سال ۱۰۳٦ و شامل ۲۷۸٤ بیت سرود. هفت داستان نوایی همگی پیرامون بهرام نیست.

۲. *سبعهٔ سیّار* اثر امیر علیشیر نوایی (۸٤٤- ۹۰٦) (خطی کتابخانه دانشگاه استانبول، ش ۱٤۰۹) به ترکی که به *هفت اورنگ* اشرف و *هشت بهشت* امیرخسرو و *هفت‌پیکر* نظامی توجه داشته است. کلیات داستان همان است با تفاوتی اندک. محور داستان عشق بهرام به دل‌آرا است و داستان‌ها را نقّالان می‌گویند نه دختران هفت اقلیم. در مجموع

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1385.14.53.13.9]

سبعهٔ سیّار یکپارچه است نه داستان‌هایی جداجدا و جنبه‌های عاشقانه در آن کم‌رنگ‌تر است (دلبری‌پور، ج۱، ۱۳۷۲: ۵۵۹).

۳. *هفت‌پیکر* سرودهٔ هدایت‌الله راعی

٤. *بهرام گور* اثر حیاتی

۵. *هفت‌پیکر* از عاشقی

٦. *منظومه بهرام گوریانی* اثر نوادر تاتیشویلی شاعر گرجی

۷. *هشت گلزار* اثر سید حسین شاه حقیقت (۱۱۸٦- ۱۲٤۹) به اردو که در سال ۱۲۲۵ به تقلید از *هشت بهشت* امیر خسرو سروده است.

ترجمه‌های هفت‌پیکر

الف) ترکی

۱. لامعی چلپی

۲. ترجمه ترکی آذری منظوم توسط محمد رحیم در باکو به سال ۱۹٤۱

۳. ترجمه ترکی آذری داستان *هفت‌پیکر* در کتابفروشی فردوسی تبریز (ناشناس)

٤. ترجمه رستم علی‌یف با پیشگفتاری از محمد عارف در باکو ۱۹۸۱

ب) هندی بنگالی، اردو، سانسکریت، پنجابی

۱. ترجمه *هفت‌پیکر* به بنگالی به نام سپتاپیکر اثر سید علاءالبنا بین سال‌های ۱٦۵۲ تا ۱٦۸۵م. آمیخته به سانسکریت.

۲. قصه شاه بهرام و حسن بانو به پنجابی تألیف امام بخش که اساساً با داستان رایج آن در فارسی تفاوت دارد (برای خلاصهٔ داستان ر.ک چوهدری، ج ۱، ۱۳۷۲: ٤۱۸). این داستان را شاعران پنجابی چون گوپال سینگ گوپال، سید حشمت شاه، دیوی داس، عمرّ دین و ایوب شاه به نظم در آورده‌اند (همان ، ج۱، ٤۱۸).

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1385.14.53.13.9]

ج) فرانسوی

۱. ترجمه داستان بهرام گور و شاهزاده روسی از هفت‌پیکر توسط اردمان در سال ۱۸٤٤ در قازان.

۲. ترجمه دو داستان هفت‌پیکر در کتابی با عنوان *باغ کامیابی‌ها* توسط لاکوان دو ویلموون (A. Lacoinde Villemorin) با همکاری اعظم الدوله ثقفی در سال ۱۸۹۷.

۳. «هفت شاهزاده خانم، نظامی در مجموعه روح ایرانی» توسط ورا کوبیچکوا در پاریس ۱۹۵۱.

د) روسی

۱. ترجمه داستان شاهزاده خانم هندی با ترجمه ا. ی گروژینسکی به سال ۱۹۲۲ در مسکو.

۲. داستان شاهزاده خانم روسی ترجمهٔ س. ایوانف و ای. اوراتوفسکی و پ. لاونیک با مقدمهٔ ی. ا. برتلس در باکو ۱۹۴۱.

۳. ترجمهٔ هفت‌پیکر توسط ر. ایوانف با نظارت ی. ا. برتلس و مقدمهٔ م. عارف در باکو، ۱۹۵۹.

هـ) انگلیسی: ترجمه، تفسیر و توشیح هفت‌پیکر در سال ۱۹۲۴ به همت ویلسون و با قصه نیکلسن در لندن و در دو جلد.

و) چکی: ترجمه وچاپ هفت‌پیکر با مقابله ۱۵ نسخه توسط هلموت ریتر و یان ریپکا در سال ۱۹۳۴ در لایپسیگ.

ز) ایتالیایی: ترجمه منثور هفت‌پیکر توسط الکساندر بوزانی.

ح) مجاری: ترجمه منظوم توسط گزاکپش ادیب و شاعر مجاری.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1385.14.53.13.9]

جدول (۲) مقایسهٔ منظومه‌ها

نام منظومه	سراینده، زبان	شمار ابیات، بحر و قالب	نام گنبدها (افلاک)	شاهزادگان	داستان‌های هفتگانه
۱ هفت‌پیکر	نظامی گنجوی (تألیف ۵۹۳ ق.)	۵۱۳۰ بحر خفیف قالب منظوم نسخهٔ چاپی	۱. سیاه ۲. زرد ۳. سبز ۴. سرخ ۵. پیروزه ۶. صندلی ۷. سپید	۱. دختر شاه پارس ۲. دختر خاقان چین ۳. دختر قیصر روم ۴. دختر شاه مغرب ۵. دختر رای هند ۶. دختر شاه خوارزم ۷. دختر سقلاب	۱. پادشاه هند و پری شهر سیاه‌پوشان ۲. پادشاه کنیز فروش ۳. بشر پرهیزگار و زن ملیخا ۴. دختر شاه روس و شاهزادهٔ نیکنام ۵. ماهان مصری ۶. خیر و شر ۷. خواجه پارسا و دختر زیبا
۲.هشت بهشت	امیرخسرو دهلوی (تألیف ۷۰۱)	۳۴۰۵ بحر خفیف نسخهٔ چاپی	۱. مشکین ۲. زعفرانی ۳. یمانی ۴. گلناری ۵. بنفشه‌ای ۶. صندلی ۷. کافوری	۱. غزاله هندی ۲. آفتاب نیمروز ۳. ماه سبز رنگ ۴. گلعذار تاتاری ۵. آهوی رومی ۶. صندل اندام آب ۷. بت خوارزمی	۱. فتنه و دلارام ۲. سه شاهزاده ۳. حسن زرگر ۴. مسافر هندی ۵. شاهزاده عاشق ۶. پسر بازرگان ۷. بازرگان و طوطی ۸. چهار عروس شاه
۳.هفت اورنگ	جمالی (تألیف ۸۲۰)	نسخهٔ‌خطی	–	–	–
۴. هفت اورنگ	اشراف مراغی (تألیف ۸۶۴)	نسخهٔ خطی	–	–	–
۵. نُه منظر	ناشناس (قرن ۹ه)	منثور نسخهٔ خطی	۱. قمر ۲. عطارد ۳. زهره ۴. آفتاب ۵. مریخ ۶. مشتری	–	۱. اختر عیار و ماه منظر ۲. رمّال و دختر شاه ۳. ناهید مطرب ۴. پادشاه نیشابور و دیو سفید

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1385.14.53.13.9]

			۷. زحل ۸. ثابتات ۹.فلک‌الافلاک		
۶. هفت منظر	هاتفی خرجردی (۹۲۷ فوت)	۲۱۰۰ بحر خفیف نسخهٔ خطی	۱. عنبر فام ۲. نارنجی ۳. سبزگون ۴. گلگون ۵. کبود فام ۶. صندلی‌فام ۷. سفید	–	–
۷. هفت اختر	عبدی بیگ شیرازی (تألیف ۹۶۴)	۳۲۷۰ بحر خفیف نسخهٔ چاپی	۱. زرد ۲. سبز ۳. سرخ ۴. کبود ۵. سنجابی ۶. سفید ۷. مشکین	۱. شاهدخت خراسان ۲. بت چینی ۳. بت رومی ۴. بت شیراز ۵. بت سپاهان ۶. بت سمرقندی ۷. بت کشمیری	۱. حسن زرگر ۲. شهر سبز ۳. حکایت صیاد ۴. حکایت سلیمان ۵. سنجاب و دختر شاه یمن ۶. حکایت زاهد ۷. دو دزد چینی
۸. هفت دلبر	خواجه معین‌الدین دهدار (تألیف ۹۸۰)	۱۲۰۰ بحر خفیف نسخهٔ خطی	–	۱. دلبر ۲. دلارام ۳. دل فریب ۴. دل پسند ۵. دل جوی ۶. دل انگیز ۷. دل آرام	
۹.هفت کشور	فیض دکنی (تألیف ۹۹۶)	–	–	–	–
۱۰. هفت نقش	میرمعصوم نامی (فوت ۱۰۱۹)	–	–	–	–
۱۱.هفت	محمود	۲۰۰۰	–	–	–

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1385.14.53.13.9]

کشور	لاهوری (تألیف۱۰۰۷)	نسخهٔ چاپی			
۱۲. آسمان هشتم	روح‌الامین شهرستان (تألیف ۱۰۲۱)	۳۵۳۰ نسخهٔ خطی	–	–	–
۱۳. هفت پیکر	عتابی تکلو (فوت۱۰۲۵)	–	–	–	–
۱۴.هفت اختر	عیشی (تألیف ۱۰۷۰)	–	–	–	–
۱۵.هفت اختر	فانی کشمیری (تألیف ۱۰۶۸)	نسخهٔ چاپی	–	–	–
۱۶. هشت گلشن	حبیب‌الله حبیبی (زنده۱۰۸۹)	–	–	–	–
۱۷. رشته گوهر	بینش کشمیری (فوت۱۱۰۰)	نسخهٔ خطی	–	–	–
۱۸. هفت پیکر	میرمحمد (قرن ۱۱)	–	–	–	–
۱۹. هشت گلگشت	حسن شاه حقیقت (تألیف۱۲۱۵)	منثور نسخهٔ چاپی	–	–	–
۲۰. بهرام گور و حسن پری	ناشناس (قرن ۱۳)	منثور نسخهٔ خطی	–	–	–
۲۱. بهرام گور و دلارام	ناشناس (قرن ۱۳)	منثور نسخهٔ چاپی	–	–	–
۲۲. داستان عوامانه هفت‌پیکر	ناشناس (قرن ۱۴)	منثور نسخهٔ چاپی	–	–	–

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1385.14.53.13.9]

وجوه تشابه و تفاوت نظیره‌ها

۱. قدیم‌ترین نظیره و اولین نظیره پس از *هفت‌پیکر* نظامی از آن امیرخسرو دهلوی است که ۱۰۸ سال پس از نظامی پدید آمده است. پس از هشت *بهشت* ده نظیره یعنی نیمی از نظیره‌ها مربوط به شبه قاره است.

۲. از ۲۱ نظیرهٔ فارسی معرفی شده پنج نسخه چاپی، ده نسخهٔ خطی و شش نسخهٔ دیگر تنها نامی از آن‌ها در کتاب‌های تاریخ ادبیات آمده و اصل آن‌ها موجود نیست.

از شانزده اثر موجود شش نظیره منثور و بقیه منظوم هستند که قدیم‌ترین نظیرهٔ منثور متعلق به قرن نهم است.

از میان ده نظیرهٔ منظوم آن‌هایی که نسخهٔ آن در دسترس است همگی در بحر خفیف یعنی همان وزن *هفت‌پیکر* سروده شده‌اند.

از میان نظیره‌های منظوم بیشترین تعداد ابیات مربوط به *هفت‌پیکر* نظامی(۵۱۳۰ بیت) است و پس از آن *آسمان هشتم* روح‌الامین شهرستانی(۳۵۳۰ بیت) و *هشت بهشت* امیرخسرو (۳٤۰۵ بیت).

۳. از مقایسهٔ *هفت‌پیکر*، *هشت‌بهشت*، *نه منظر*، *هفت منظر* و *هفت اختر* در می‌یابیم خلاف تصور رایج مبنی بر تقلیدی بودن صرف نظیره‌های پس از نظامی، اگرچه در بخش اوّل؛ یعنی زندگی و شرح حال بهرام گور از تولد تا مرگ، اختلاف چندانی دیده نمی‌شود، امّا در بخش دوم؛ یعنی افسانه‌پردازی هفت شاهزاده تفاوت اساسی وجود دارد؛ به عبارتی هشت داستان امیرخسرو با هفت داستان *هفت‌پیکر* متفاوت است. داستان‌های *هفت اختر* با *هشت بهشت* و *هفت‌پیکر* تفاوت دارد. میزان تأثیرپذیری از *هفت‌پیکر* در این بخش اندک است و این موضوع نشان می‌دهد این افسانه‌ها، که به دلیل خصیصهٔ نظیره‌ای آن تاکنون کمتر مورد توجه بوده‌اند، باید بیشتر مورد مطالعه

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1385.14.53.13.9]

قرار گیرند، چرا که داستان‌هایی بسیار زیبا و جذاب دارند و به لحاظ شیوه‌های داستان‌پردازی و درون‌مایه‌های تازه قابل بررسی هستند.

٤. نام نظیره‌ها جز سه مورد برگرفته از *هفت‌پیکر* است؛ یعنی ترکیب عدد و اسم. سیزده نظیره با هفت آغاز می‌شود: *هفت اختر*، *هفت کشور*، *هفت دلبر* و... و چهار نظیره عدد هشت در آن است: *هشت‌بهشت*، *هشت گلشن*، *هشت گلگشت*، *آسمان هشتم*. تنها یک نظیره با نُه آغاز می‌شود: *نُه منظر*. این ترکیبات اغلب برگرفته از ترکیبات عددی به کار رفته در *هفت‌پیکر* است. نظامی نام منظومهٔ خود را از هفت شاهزاده گرفته است. خواجه معین‌الدین دهدار نیز نام منظومهٔ خود را به تأسی از نظامی *هفت‌پیکر* برگزیده است، امّا در بقیّهٔ موارد نام‌ها برگرفته از گنبدها و کشورهاست: *هفت کشور*، *هفت منظر*، *نه منظر*، *هفت اختر*... .

۵. در تمامی منظومه‌ها، شاهزاده‌گان هفت اقلیم داستانی بیان می‌کنند که این داستان‌ها جز تناسبی که گاه با نام و فرهنگ آن اقلیم دارد، با داستان‌های دیگر متفاوت است. در واقع انسجام درونی میان داستان‌ها دیده نمی‌شود. تنها در روساخت، این داستان‌ها با قهرمان اصلی ارتباط می‌یابند و تنها نقطهٔ اتصال داستان‌ها به هم شخصیت بهرام است.

در *نُه منظر* موضوع متفاوت است؛ قهرمان داستان بهرام نیست؛ تنها از این حیث که افسانه‌گویی هر شب در منظری برای تأخیر در مرگ پدر گلشاد اتفاق می‌افتد، با *هفت‌پیکر* شباهت می‌یابد و این داستان را نمی‌توان به لحاظ درون‌مایه و قهرمان و شخصیت جزء نظایر *هفت‌پیکر* به شمار آورد.

هفت دلبر خواجه معین‌الدین شیرازی نیز چنین وضعی دارد. در *هفت کشور* محمود لاهوری نیز بهرام محوریت ندارد. داستان شاهزاده‌ای است که به علّت افراط در شکار،

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1385.14.53.13.9]

دوستانش هفت کاخ برای او می‌سازند و او هر روز را در کاخی با دلبری و داستانی به پایان می‌رساند. تنها آخرین داستان، داستان بهرام گور است.

جز سه اثر یاد شده که برخی شباهت‌های ساختاری با *هفت‌پیکر* دارند، بقیه شباهت محتوایی و ساختی تامی با *هفت پیکر* پیدا می‌کنند.

۶. گنبدها در *هفت‌پیکر*، *هشت بهشت*، *هفت منظر* و *هفت اختر* به رنگ مشخص شده‌اند، امّا در *نُه منظر* نام افلاک جای رنگ‌ها را گرفته است. رنگ گنبدها نیز در نظیره‌های یاد شده متفاوت است. رنگ‌های مشترک سفید، سبز و سرخ هستند و در بقیهٔ موارد برای ایجاد تفاوت از رنگ‌های مشابه استفاده شده است، مثلاً به جای سیاه از مشکی، عنبر فام، کبود و به جای سرخ از گلناری، گلگون نام می‌برند.

در تمام نظیره‌ها به تأسی نظامی رنگ‌ها با سیاه آغاز و به سفید ختم می‌شود. شاید بتوان سیر از سیاهی به سفیدی را به سیر از ناخودآگاهی به خودآگاهی تعبیر کرد که میان این دو، رنگ‌های گوناگون است تا به مطلق سفیدی و نور ختم می‌شود.

۷. شاهزادگان در تمامی نظیره‌ها منسوب به کشور و اقلیمی هستند. تنها در *هفت دلبر* خواجه معین‌الدین دهداری شاهزادگان به نام خاص و نه انتساب به شهر یا کشوری انتخاب شده‌اند: دلبر، دل‌آرام، دل‌جوی که همگی با ترکیب «دل» ساخته شده‌اند.

شاهزادگان در تمامی موارد از کشورهای مختلف هستند و تنها در *هفت اختر* عبدی بیگ بت شیرازی و سپاهانی و خراسانی در کنار شاهزادگان اقلیم‌های دیگر آمده است.

۸. هفت شاهزاده در روایت عبدی بیگ هر روز به تناسب رنگ گنبد، لباس آن گنبد را می‌پوشند؛ مثلاً بت رومی روز سه‌شنبه در گنبد سرخ با لباس سرخ ظاهر می‌شود و این تناسب لباس با رنگ گنبد ابتکار اوست.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1385.14.53.13.9]

ابتکار دیگر مربوط به *هفت‌پیکر* منثور است که علاوه بر رعایت تناسب روز و گنبد و اقلیم، گنبدها هر روز به بو و رایحه‌ای خاص آگنده می‌شوند.

نتیجه‌گیری

خمسهٔ نظامی به عنوان یکی از شاهکارهای داستان‌پردازی ایرانی، ضمن تأثیر از سنت‌های پیش از خود، تأثیری ژرف و عمیق بر آثار پس از خود نهاد. سنت نظیره‌گویی با نظامی شکل گرفت و پس از وی از طریق امیرخسرو دهلوی در شبه قاره هند توسعه یافت. از جمله آثار نظامی که بازتاب عمده‌ای در ادب فارسی داشت *هفت‌پیکر* بود. *هفت‌پیکر* نظامی افسانه بهرام گور، شاه تاریخی ایرانی است که نظامی با این شاهکار ماندگار خود نقش به سزایی در ماندگاری شخصیت بهرام گور داشته است.

پس از نظامی ۲۱ اثر به‌طور مستقیم و غیرمستقیم از *هفت‌پیکر* تقلید شده است که شش نظیره نسخه‌ای ندارد و از پانزده اثر دیگر پنج اثر چاپی و ده نظیره خطی است. مهم‌ترین نظیره، از آن امیرخسرو دهلوی است که چه در جزئیات زندگی بهرام و چه در *هفت‌پیکر* با روایت نظامی تفاوت دارد. ضمن آن‌که امیرخسرو داستان بهرام گور و کنیزش را به عنوان داستانی مستقل به حساب آورده و به همین دلیل *هفت‌پیکر* را به *هشت بهشت* بدل کرده است.

هفت اختر عبدی بیک پس از *هشت بهشت* از جمله بهترین تقلیدها به شمار می‌آید. نظیره‌های دیگر عبارتند از: هفت *اورنگ جمالی* (۸۲۰) *نُه منظر* (نهم)، *هفت منظر* هاتفی (۹۲۷) *هفت کشور* فیضی دکنی (۹۵۴- ۱۰۰۴) *هفت دلبر* خواجه معین‌الدین شیرازی (۹۸۰) *هفت نقش* میر معصوم نامی (۱۰۱۴) *آسمان هشتم* روح‌الامین شهرستانی (۱۰۲۱) *هفت کشور* محمود لاهوری (۱۰۰۷) *هفت‌پیکر* عتابی تکلو (۹۷۳) *هفت اختر*

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1385.14.53.13.9]

عیشی (۱۰۷۰) *هفت اختر* فانی کشمیری (۱۰۸۲) *هشت گلشن* حبیبی (۱۰۸۹) *رشته گوهر* بینش کشمیری (۱۱۰۰) *هفت‌پیکر* شریف کاشی، *هشت گلگشت* شاه حسین حقیقت (۱۲۱۵)، *بهرام گور و بانو حسن پری* (چهاردهم) *بهرام گور و دلارام* و داستان عوامانه *هفت‌پیکر*.

داستان‌های مربوط به بخش دوّم روایت‌ها، یعنی افسانه‌گویی شاهزادگان در اغلب نظیره‌ها متفاوت است و در جزئیات داستانی شباهت‌هایی با هم دارند و از این حیث نمی‌توان گفت این نظیره‌ها صد در صد تقلید صرف هستند. جز دو داستان *نُه منظر* و *هفت دلبر* که اساساً درون‌مایهٔ آن‌ها زندگی و ماجراهای بهرام گور نیست و تنها در سیاق داستانی و وزن از *هفت‌پیکر* تأثیر پذیرفته‌اند، بقیهٔ نظیره‌ها با اندک اختلافی در روایت‌های زندگی بهرام مثل هم هستند.

پی‌نوشت

۱. تقلید به نوعی از نمایش‌های سنتی و شاد ایرانی نیز اطلاق می‌شود که با مضحکه و طنز همراه است. نمایش‌های تقلیدی از دگرگونی نمایش‌ها و بازی‌هایی چون معرکه‌گیری، نوروزی‌خوانی، کوسه بر نشین، میرنوروزی، تعزیه و . . . ساخته و اجرا شده است. ر.ک: ملک‌پور، جمشید، *ادبیات نمایش در ایران*، تهران: توس. ۱۳۶۳، ج۱، ص ۲۶۵- ۲۹۵. جنتی عطایی، ابوالقاسم، *بنیاد نمایش در ایران*، تهران: صفی علیشاه، ۱۳۵۶، ص ۵۴-۵۷. انوشه، حسن، *دانشنامه ادب فارسی*، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰، ص ۴۰.

۲. نقیضه یا پارودی تقلید خنده‌آور و تمسخرآمیز آثار جدّی ادبی است. نقیضه‌ها را به سه‌گونهٔ لفظی؛ صوری و درون‌مایه‌ای تقسیم کرده‌اند. در نقیضهٔ لفظی تنها واژگان تغییر می‌کند و تقلید می‌شود مثل اشعار بسحاق اطعمه (۸۳۰ ق)؛ مثل:

دارم از کله و کیپا گله چندان که مپرس
که چنان زو شده‌ام بی سر و سامان که مپرس

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1385.14.53.13.9]

در نقیضه‌های صوری شیوه و سبک شاعر و نویسنده تقلید می‌شود؛ مثل *التفاصیل* فریدون توللی و در نقیضه‌های درون‌مایه‌ای محتوای اثر تقلید می‌شود؛ مثل *اخلاق‌الاشراف* عبید زاکانی (۷۷۲ق) که نقیضهٔ *اوصاف‌الاشراف* خواجه نصیر توسی (۶۷۲ ق) است.

مهدی اخوان ثالث در کتاب «*نقیضه و نقیضه‌سازان*» نزدیک به سی نوع از نقیضه‌ها را معرفی می‌کند.

ر.ک: اخوان ثالث، مهدی، *نقیضه و نقیضه‌سازان*، به کوشش ولی‌الله درودیان، تهران، نشر زمستان، ۱۳۷۴.

۳. ر.ک: *تاریخ طبری*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، ج۲، ص ۶۲۹- ۶۲۰، *غررالاخبار ملوک‌الفرس* ص ۵۵۲، *تاریخ بلعمی*، ص ۸- ۹۳۹، *مجمل‌التواریخ و القصص*، ص ۶۹، *شاهنامه*، ج ۷، ص ۲۹۴- ۳۰۲.

منابع

اته، هرمان. (۱۳۵۶). *تاریخ ادبیات فارسی*. ترجمه رضازاده شفق. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

اسلامی ندوشن، محمدعلی. (۱۳۷۴). *جام جهان‌بین*. تهران: جامی.

افشار، ایرج. (۱۳۶۱-۱۳۷۱). *فهرست کتابخانه ملک*. مشهد: آستان قدس.

الهی قمشه‌ای، محی‌الدین حسین. (زمستان ۱۳۷۳). «تفسیری بر داستان گنبد سرخ». مجله *صوفی*. ش۲۵. ۳۲-۳۸.

امید سالار، محمود. (زمستان ۱۳۷۰). «هفت‌پیکر نظامی و ادب مصر باستان»، *ایران‌شناسی*. سال سوم. ش۴.

انوشه، حسن. (۱۳۸۱-۱۳۸۴). *دانشنامه ادب فارسی*. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. ۷ جلد.

برتلس، ی. ا. (۱۳۵۵). *نظامی شاعر بزرگ آذربایجان*. ترجمه ح. م . صدیق. تهران: پیوند.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1385.14.53.13.9]

بلعمی، ابوعلی. *تاریخ بلعمی*. چاپ وزارت فرهنگ. تهران: [بی تا] .

بورگل، ی. ک. «منظومهٔ عاشقانه». ترجمه فرزانه طاهری. *نشر دانش*. سال یازدهم. ش۶. ص۱۹.

جنتی عطایی، ابوالقاسم. (۱۳۵۶) *بنیاد نمایش در ایران*. تهران: صفی علیشاه.

چلکوفسکی، پیتر. (۱۳۷۰). «آیا اپرای توراندت پوچینی بر اساس کوشک سرخ هفت‌پیکر است». *ایران‌شناسی*. سال سوم. ش۴. ص ۷۱۴- ۷۲۲.

چوهدری، شاهد. (۱۳۷۲). «تأثیر و نفوذ نظامی در ادبیات پنجابی». مجموعه مقالات کنگره نظامی (۲جلد). انتشارات دانشگاه تبریز.

خانلری، زهرا. (۱۳۸۴). *داستان‌های دل انگیز در ادب فارسی*، تهران: توس.

_____. (۱۳۸۴). «داستان نه منظر»، *سخن*. ص ۸۳۹.

خزانه دار لو، محمد علی. (۱۳۷۵). *منظومه‌های فارسی*. تهران: روزنه.

دلبری‌پور، اکبر. (۱۳۷۲). «نظامی در ترکیه». مجموعه مقالات کنگره نظامی. به کوشش منصور ثروت. (۳ جلد). انتشارات دانشگاه تبریز.

دهلوی، امیرخسرو. (۱۹۷۲). هشت *بهشت*. تصحیح جعفر افتخار. مسکو: انتشارات دانش.

دینوری، ابن قتیبه. *عیون الاخبار*. چاپ مصر.

ذوالفقاری، حسن. (۱۳۷۴). *منظومه‌های عاشقانه ادب فارسی*. تهران: نیما.

_____. (۱۳۸۴). *داستان‌های امثال*. تهران: مازیار.

رادفر، ابوالقاسم. (۱۳۷۱). *کتاب‌شناسی نظامی*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی.

زرین کوب، عبدالحسین. (۱۳۸۰). *پیر گنجه در جستجوی ناکجاآباد*. تهران: سخن.

زرین کوب، عبدالحسین. (۱۳۷۶). *آشنایی با نقد ادبی*. تهران: سخن.

صدیقی، طاهره. (۱۳۷۷). *داستان‌سرایی در شبه قاره*. مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان.

صفا، ذبیح الله. *تاریخ ادبیات در ایران*. (۷ جلد). تهران: فردوس.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1385.14.53.13.9]

عبدالسلام کفافی، محمد. (۱۳۸۲). *ادبیات تطبیقی*. ترجمه سید حسین سیدی. مشهد: آستان قدس رضوی.

عبدی بیگ شیرازی. (۱۹۷۴). *هفت اختر*. با مقدمه و تصحیح ابوالفضل هاشم اوغلی رحیموف. مسکو: انتشارات دانش.

غلامرضایی، محمد. (۱۳۷۰). *داستان‌های غنایی منظوم*. تهران: فردابه.

فردوسی، ابوالقاسم.(۱۳۷۴). *شاهنامه*. به کوشش سعید حمیدیان (از روی چاپ مسکو). تهران: نشر داد.

گلچین معانی، احمد. (۱۳۶۹). *کاروان هند*. (۲ جلد). مشهد: آستان قدس رضوی.

مؤید، حشمت. (۱۳۶۹). «در مدار نظامی هشت بهشت و هفت اختر». *ایران‌شناسی*. ش۲.

محجوب، محمدجعفر. (۱۳۸۱). *ادبیات عامیانهٔ ایران*. به کوشش حسن ذوالفقاری. تهران: چشمه.

_____. (۱۳۵۷). هشت *بهشت و هفت‌پیکر*. چاپخانه سعید نو. و *ایران‌نامه* ش ۱. سال ۱۳۶۳ .

مصاحب، غلامحسین. (۱۳۸۱). *دایرةالمعارف فارسی* (۳ جلد). تهران: امیرکبیر.

مشار، خان‌بابا. (۱۳۴۰-۱۳۴۴). *فهرست کتاب‌های چاپی فارسی* (۶ جلد). تهران: ناشر مؤلف.

معین ، محمد. (۱۳۳۸). *تحلیل هفت‌پیکر*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

مقدسی. (۱۹۰۳). *البدء و التاریخ*. چاپ کلمان هوار.

ملک‌پور، جمشید. (۱۳۶۳). *ادبیات نمایش در ایران*. تهران: توس.

منزوی، احمد. (۱۳۷۶). *فهرستواره کتاب‌های فارسی*. تهران: انجمن مفاخر فرهنگی.

_____. (۱۳۵۴). *فهرست مشترک نسخه‌های فارسی*. تهران: مؤسسه فرهنگی آسیایی.

نظامی گنجوی. (۱۳۳۴). هفت‌پیکر، به کوشش وحید دستگردی. تهران: ابن سینا.

نفیسی، سعید. (۱۳۶۳). *تاریخ نظم و نثر در ایران*. (۳ جلد). تهران: فروغی.

نویدی شیرازی، عبدی بیگ. (۱۹۷۴). *هفت اختر*. مسکو: دانش.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-29]

[DOR: 20.1001.1.24766925.1385.14.53.13.9]